

کاربرد تسلیحات شیمیایی در جنگ ایران و عراق از منظر حقوق بین‌الملل کیفری

حسین شریفی طرازکوهی* - ساسان مدرس سبزواری**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۵)

چکیده

کاربرد سلاح‌های شیمیایی به واسطه آسیب‌های گسترده‌ای که در قربانیان ایجاد کرده، در میان جنایات رژیم صدام حسین، جایگاه خاصی دارد. مقتضای عدالت آن است که این گونه جنایات خطیر مورد توجه جامعه بین‌المللی، بدون مجازات نمانند. بر مبنای معاهدات و عرف بین‌المللی، تردیدی در خصوص ممنوعیت کاربرد تسلیحات شیمیایی در دهه ۱۹۸۰ وجود ندارد. نفس همین ممنوعیت (بدون نیاز به جرم‌انگاری صریح) می‌تواند مبنایی برای مسئولیت کیفری مرتکبین این اعمال باشد. ضمن یادآوری رویه دادگاه نورنبرگ، مقاله حاضر، نشان داده که اگر دادگاه بین‌المللی صالحی برای رسیدگی به این جنایات وجود داشته باشد، مشکلی از حیث قانونی بودن جرم وجود نخواهد داشت؛ اما چون در حال حاضر، هیچ دادگاه بین‌المللی حائز صلاحیت و مرتبط با جنگ ایران و عراق وجود ندارد، موضوع اجرای حقوق بین‌الملل، می‌تواند مورد توجه دادگاه‌های داخلی قرار گیرد. مقاله حاضر، با این اعتقاد که دادگاه‌های ایران، علی‌القاعده دارای صلاحیت رسیدگی به این جنایات هستند، پیشنهاد کرده که برای ایفای نقش مؤثر دادگاه‌ها در حمایت از حقوق بین‌الملل و کاهش آلام قربانیان، اصلاحاتی در برخی قوانین جزایی صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: تسلیحات شیمیایی، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، دادگاه‌های داخلی، جنگ ایران و عراق، حقوق بین‌الملل کیفری

مقدمه

جنگ عراق علیه ایران (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷؛ ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸) تبعات و تلفات انسانی گسترده‌ای به همراه داشت. علاوه بر این تلفات انسانی کم‌سابقه، خسارات اقتصادی قابل‌ملاحظه‌ای نیز از رهگذر این جنگ به طرفین تحمیل شد. این خسارات، علاوه بر آسیب گسترده به زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی دو طرف، شامل میلیاردها دلار کاهش درآمدهای نفتی و افت ارزش پول ملی به‌واسطه استقراض‌های قابل‌توجه برای خرید تسلیحات نظامی بوده است. منشأ بروز این جنگ که یکی از طولانی‌ترین درگیری‌های مسلحانه در طول تاریخ معاصر به شمار می‌رود (Hiro, 2008:1)، اختلافات مرزی و ایدئولوژیک بین دو کشور و همچنین جاه‌طلبی‌های سیاسی صدام حسین عنوان می‌شود. نهایتاً با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ (مورخ ۲۹ تیر ۱۳۶۶؛ ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷) از سوی جمهوری اسلامی ایران، وضعیت آتش‌بس و توقف عملیات نظامی میان طرفین برقرار شد.

یکی از سیاه‌ترین برگ‌های تاریخ جنگ، استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران و علیه کردهای عراق است؛ امری که به‌خودی‌خود نیز فجیع و دلهره‌آور و تأثیربرانگیز است. دولت عراق در طول جنگ علیه ایران، برخلاف تعهدات بین‌المللی و در نقض آشکار قواعد حقوقی حاکم بر مخاصمات مسلحانه، اقدام به تهیه و تولید و انبارداری و استفاده مکرر از سلاح‌های شیمیایی کرده است. آنچه باعث تأثیر بیشتر نسبت به این فاجعه می‌شود، تعلل جامعه بین‌المللی در اقدام مؤثر علیه این جنایت ننگین، یا حداقل محکوم کردن آن است. بنا به برخی گزارش‌ها که در قسمت‌های آتی بررسی خواهد شد، به نظر می‌رسد که حتی برخی از دولت‌های شرقی و غربی نیز در این امر به دولت صدام حسین یاری رسانده‌اند. اینکه جامعه بین‌المللی تا به این حد در برابر شرور جنگ از خود، ناتوانی نشان می‌دهد، البته بسیار تکان‌دهنده است. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که این‌گونه مشایعت و مماشات قدرت‌های بزرگ با صدام حسین را باید در پرتو هراس آن‌ها از تهدید ناشی از گسترش انقلاب ایران بررسی کرد (Joyner, 2008: 60).

این مقاله قصد دارد که اولاً، رژیم حقوقی حاکم بر منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی در زمان جنگ ایران و عراق را ارزیابی کند و به‌طور گذرا نشان دهد که عدم تبعیت عراق از الزامات این رژیم حقوقی، چه تأثیری بر تحولات بعدی نظام کنترل تسلیحات داشته است. در بخش دوم به بررسی فهرستی از موارد استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق و واکنش‌های جامعه بین‌المللی در قبال این موارد، پرداخته می‌شود. بخش سوم نشان خواهد داد که بر اساس قواعد حقوقی موجود در زمان جنگ، موارد استفاده از سلاح‌های شیمیایی تا چه میزان می‌تواند موجد مسئولیت کیفری بین‌المللی برای آمران و عاملان این فجایع تلقی شود.

۱. رژیم حقوقی استفاده از سلاح‌های شیمیایی

جنگ جهانی اول، بزرگ‌ترین سابقه استفاده از سلاح‌های شیمیایی در تاریخ جنگ‌های بشر به شمار می‌رود. علی‌رغم وجود برخی معاهدات و اسناد الزام‌آور^۱ تقریباً تمامی دولت‌های بزرگ درگیر در این جنگ، به نحوی نسبت به تولید یا انباشت یا استفاده از این سلاح‌ها اقدام کردند. تلفات مرتبط با سلاح‌های شیمیایی در جنگ جهانی اول، بیش از یک میلیون نفر برآورد شده است (Ali, 2001: 44). در پی این جنگ بزرگ جهانی و تلفات گسترده آن، فعالان جامعه بین‌المللی به این صرافت افتادند که سازوکار حقوقی مناسبی برای برخورد با مسئله سلاح‌های شیمیایی (و باکتریولوژیک) ایجاد کنند. سند مهمی که در این خصوص تدوین و امضا شد، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو «راجع به منع استفاده از گازهای سمی و خفه‌کننده و سایر گازها در جنگ و روش‌های نبرد باکتریولوژیک»^۲ نام دارد.^۳ در مقدمه پروتکل ۱۹۲۵ ژنو اشاره شده که «استفاده از گازهای خفه‌کننده و سمی و همچنین تمامی مایعات و مواد و تجهیزات مشابه، از سوی وجدان عمومی جهان متمدن محکوم شده و برخی از قدرت‌های بزرگ نیز در جنگ‌های میان خود، استفاده از این گازها و تجهیزات را ممنوع کرده‌اند و این ممنوعیت باید به نحو فراگیر در حقوق بین‌الملل پذیرفته شود...» بر این اساس، دولت‌های متعهد اعلام کرده‌اند که ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی را، اگر به‌موجب معاهدات دیگر نپذیرفته‌اند، به‌موجب پروتکل ژنو می‌پذیرند و این ممنوعیت را به روش‌های جنگ باکتریولوژیک نیز قابل تسری می‌دانند.

البته باید توجه داشت که پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، صرفاً استفاده از سلاح‌های شیمیایی را در زمان جنگ ممنوع کرده و هیچ مقرره خاصی در ارتباط با ممنوعیت تحقیقات، توسعه، تولید، آزمایش و نگهداری این تسلیحات ندارد. همچنین پروتکل مزبور، فاقد هرگونه نظام بازرسی برای تضمین اجرای آن توسط دولت‌های عضو است. حتی دولت‌ها در قالب ائتلاف‌های راهبردی، خود را مجاز به تجارت این تسلیحات با متحدان خود می‌دانستند. پروتکل ژنو عملاً تنها تا زمانی مؤثر و کارآمد بود که طرفین مخاصمه، تصمیم به استفاده از سلاح‌های شیمیایی و باکتریولوژیک نمی‌گرفتند و به‌محض کاربرد این سلاح‌ها توسط یکی از طرفین، طرف دیگر

۱. به‌عنوان مثال می‌توان به اعلامیه لاهه (۱۸۹۹) در خصوص «منع استفاده از گازهای خفه‌کننده» اشاره کرد.

2. Protocol for the Prohibition of the Use in War of Asphyxiating, Poisonous or Other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare (Geneva: 1925) – available at: http://www.un.org/disarmament/WMD/Bio/pdf/Status_Protocol.pdf (accessed: Jan-2015).

۳. علاوه بر پروتکل ژنو ۱۹۲۵، بعد از جنگ جهانی اول، برخی مقررات بین‌المللی دیگر نیز در این خصوص به تصویب رسید. در ماده ۱۷۱ معاهده ورسای (۱۹۱۹) تولید و واردات و نگهداری گازهای خفه‌کننده و سمی و مایعات و تجهیزات مشابه در آلمان ممنوع اعلام شد. معاهده ۱۹۲۲ «در خصوص زیردریایی‌ها و گازهای مه‌لک» نیز مقرراتی مشابه با مقررات پروتکل ۱۹۲۵ در بر دارد.

نیز خود را ملزم به ممنوعیت‌های آن نمی‌دانست.^۱ به تعبیر دیگر، تنها تعهد حقوقی که دولت‌ها به‌موجب پروتکل ۱۹۲۵ ژنو درعمل پذیرفتند این بود که در صحنه نبرد، بدو از سلاح‌های شیمیایی و باکتریولوژیک استفاده نکنند (Zanders, 1996: 43). دولت ایران در سال ۱۹۲۹ و دولت عراق در سال ۱۹۳۱ پروتکل ژنو را تصویب کردند.

با این حال، دولت‌ها حتی در پذیرفتن همین تعهدات حداقلی هم دچار تردید بودند: اولاً، دولت‌ها سعی داشته‌اند که میان نبردهای بین‌المللی و غیربین‌المللی از این حیث تفاوت قائل شوند.^۲ ثانیاً، تأکید زیادی داشته‌اند که علیه طرف متخاصمی که از سلاح شیمیایی استفاده کند، خود را به مقررات پروتکل ژنو مقید نمی‌دانند^۳ (حتی در بعضی موارد اشاره شده که اگر طرف متخاصمی از سلاح شیمیایی استفاده کند، علیه متحدین وی نیز مقررات پروتکل را اجرا نمی‌کنند).^۴ علاوه بر این، دولت‌ها تلاش داشته‌اند تا حوزه شمول پروتکل ۱۹۲۵ ژنو را به گازهای خاص محدود کنند. به‌طور مشخص در ارتباط با استفاده از گازهای ویژهٔ مقابله با شورش‌های شهری، معمولاً دولت‌ها معتقد بوده‌اند که کاربرد این گازها در قالب پروتکل ژنو ممنوع نیست. البته بعداً این قاعده به‌عنوان یک قاعده عرفی و معاهده‌ای^۵ حقوق مخاصمات مسلحانه شناسایی شد که استفاده از این گازها صرفاً در شورش‌های داخلی مجاز است. همچنین در خصوص مجاز بودن استفاده از علف‌کش‌های شیمیایی^۶ به‌موجب پروتکل ژنو نیز اختلاف‌نظرهایی وجود داشته است.^۷

به‌طور کلی می‌توان گفت رژیم‌هایی که تحت پروتکل ۱۹۲۵ ژنو طراحی شده بود، اولاً، به‌واسطه

۱. از ۱۳۹ سند تصویبی که برای پروتکل ژنو تودیع شده، در ۳۹ مورد دولت‌ها رزرو نموده‌اند که اگر طرف مقابل در مخاصمه دست به استفاده از تسلیحات شیمیایی بزند، خود را به مقررات این پروتکل ملزم نخواهند دانست. البته تا مارس ۲۰۰۳، هجده مورد از این رزورها مسترد شده است. (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 1659).

۲. به‌عنوان مثال، «کتاب راهنمای حقوق مخاصمات مسلحانه» که برای نیروهای نظامی انگلستان تهیه شده (نسخه ۱۹۸۱)، اشاره دارد به این که «اعمال زیر در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی ممنوع هستند: ... (e) استفاده اولیه از گازها و سلاح‌های شیمیایی» (تأکید بر واژه بین‌المللی در متن اصلی)؛ (به نقل از: Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 1667).

۳. دستورالعمل نیروهای زمینی ارتش ایالات متحده (نسخه ۱۹۵۶) و دستورالعمل نیروهای هوایی ایالات متحده (نسخه ۱۹۷۶)، (به نقل از: Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 1667).

۴. دستورالعمل‌های اجرایی ارتش ایالات متحده، اتحاد شوروی و چین، (به نقل از: Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 1667).

۵. کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۳ در ماده (5) صراحتاً کاربرد گازهای مقابله با شورش‌های داخلی را به‌عنوان یک روش جنگی ممنوع اعلام کرده است.

6. Chemical Herbicides.

۷. دستورالعمل نظامی ایالات متحده (۱۹۵۶) مقرر می‌دارد که از نظر این کشور، استفاده از علف‌کش‌ها به‌موجب پروتکل ژنو ممنوع نیست؛ هرچند در قالب یک اقدام یک‌جانبه، ایالات متحده استفاده از این گازها را صرفاً در شرایط اضطراری و با دستور رئیس‌جمهور مجاز دانسته است. دستورالعمل‌های نظامی برخی کشورها (از قبیل نیجریه) هیچ محدودیتی در این خصوص ملاحظه نمی‌کنند و برخی دیگر (مثل بلژیک) نیز در این خصوص با تردید مواجه بوده‌اند (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 1764).

فقدان قاعده‌ای در خصوص محدودیت یا ممنوعیت تولید و انباشت سلاح‌های شیمیایی و ثانیاً، به واسطه عدم قطعیتی که ظاهراً در خصوص ممنوعیت کاربرد این سلاح‌ها وجود دارد، نتوانست مانع کاربرد تسلیحات شیمیایی توسط رژیم عراق شود. در قسمت بعد به بررسی سوابق برنامه توسعه تسلیحات شیمیایی عراق و استفاده از این سلاح‌ها در جنگ علیه ایران پرداخته می‌شود.

۲. برنامه تسلیحاتی عراق و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ علیه ایران

برنامه تسلیحات شیمیایی عراق با انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد؛ اما مطابق اعلام مقامات دولت این کشور، فعالیت‌های گسترده رژیم بعث در ارتباط با تولید سلاح‌های شیمیایی در مقیاس صنعتی، تأمین و تولید مواد اولیه و همچنین اجزاء و تجهیزات مرتبط با این تسلیحات، عمدتاً در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ انجام گرفت. اطلاعاتی که دولت عراق به بازرسان سازمان ملل متحد ارائه کرد، حکایت از آن دارد که بیش از ۵۰ درصد کل زرادخانه سلاح‌های شیمیایی این کشور در دهه ۱۹۸۰ [یعنی در حین جنگ با ایران] استفاده شده است (UNSCOM 1999, Appendix II, paras. 3-4). دولت عراق، بدواً به هیچ وجه امکان تولید مواد و تجهیزات لازم را برای توسعه برنامه تسلیحاتی خود نداشت و لذا ناچار بود که بخش زیادی از این مواد و تجهیزات را از منابع خارجی تأمین کند. به عنوان مثال، برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که عراق در اوایل دهه ۱۹۸۰ بیش از هزار تن عامل خردل (تیو دی گلیکول) از کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده وارد کرده است (Ali, 2001: 46-7).

همچنین در همین برهه، برخی از شرکت‌های صنایع شیمیایی خارجی، با آگاهی از سوابق و نقشه‌های رژیم صدام حسین، مقادیر زیادی از مواد و تجهیزات دارای کاربری دوگانه را به شرکت‌های تولید «کود کشاورزی» در عراق فروختند. گزارش‌های رسمی سازمان ملل متحد، حاوی نام شرکت‌های خارجی مذکور نیست. رولف/یکیس، رئیس اسبق بازرسان سازمان ملل در عراق هم در جایی اعلام کرده که شورای امنیت در سال ۱۹۹۳ از بازرسان سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواسته بود که هویت این شرکت‌ها را افشا نکنند (Randal, 2015). علاوه بر تهیه مواد شیمیایی از فروشندگان خارجی، طبق اطلاعاتی که عراق در اختیار بازرسان سازمان ملل متحد قرار داده، بخش عمده تجهیزاتی هم که این کشور در دهه ۱۹۸۰ برای تولید سلاح به کار برده، از منابع خارجی تأمین شده؛ به نحوی که «تأسیسات و کارخانجات تولید تسلیحات کشتار جمعی در عراق، عمدتاً به طور کامل بر تجهیزات خریداری شده از شرکت‌های خارجی مبتنی بوده‌اند» (UNSCOM 1999, Appendix II, para. 26). گزارش‌های سازمان ملل متحد حاکی از آن

است که دولت عراق، برخی اسناد را نیز در تأیید این مطالب ارائه کرده اما به دلیل عدم پاسخگویی شرکت‌های خارجی و دولت‌های متبوع آن‌ها، امکان تأیید قطعی این اسناد وجود نداشته است (UNSCOM 1999, Appendix II, paras. 31-34). به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شواهد در تأیید همکاری شرکت‌های غربی با برنامه تسلیحات شیمیایی عراق، می‌توان به محاکمه فرانتز فان آنرات^۱ در دادگاه‌های هلند در سال ۲۰۰۴ اشاره کرد. دادگاه به‌واسطه فروش چندین هزار تن مواد اولیه تولید گازهای خردل و اعصاب از سوی فان آنرات به عراق در دهه ۱۹۸۰، جرائم منتسب به وی (شامل معاونت در جنایت جنگی و معاونت در نسل‌کشی) را محرز دانست (Joyner, 2008, pp. 60-61).

گزارش‌های بازرسان سازمان ملل متحد که مأمور نظارت بر خلع سلاح عراق بودند، اطلاعات چندان مفیدی در خصوص استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق در بر ندارد.^۲ اما گزارشی که هیئت کارشناسان اعزامی دبیرکل وقت سازمان ملل متحد در حین جنگ تهیه کرده، با جزئیات بیشتر به این موضوع پرداخته است (UN Secretary General, 1986). این هیئت کارشناسی برای بررسی ادعای استفاده از تسلیحات شیمیایی، اولاً مصاحبه‌هایی را با مقامات ایران ترتیب داده؛ ثانیاً، بازدیدهایی از مناطق جنگی به عمل آورده و نمونه‌هایی از خاک آلوده به عوامل شیمیایی را در این مناطق جمع‌آوری و آزمایش کرده؛ ثالثاً، مجروحین شیمیایی جنگ را در بیمارستان‌های تهران و اهواز معاینه کرده و مصاحبه‌هایی با آن‌ها انجام داده و رابعاً، با یک خلبان اسیر عراقی درباره مشاهدات عینی که وی در این خصوص داشته، مصاحبه کرده است (UN Secretary General 1986: 9-10). یافته‌های این کارشناسان به‌طور خلاصه به قرار زیر بوده:

الف) بررسی وضعیت مجروحین ایرانی حاکی از وجود جراحات‌های مختلف، شامل التهاب‌های متوسط تا خیلی شدید، آسیب شدید در پلک چشم، آسیب‌های پوستی از قبیل تاول‌های بزرگ با مایع زردرنگ، جداشدگی پوست، تجمع رنگدانه‌های تیره در سطح پوست و آسیب‌دیدگی در حد سوختگی درجه دوم بوده است. در برخی موارد آسیب‌های تنفسی و افت گلبول‌های سفید در مجروحین ملاحظه شده است [...] تمامی این آسیب‌ها، بدون هیچ تردیدی، از گاز

1. Franz van Anraat.

۲. علت آن است که UNSCOM اولاً، بعد از جنگ خلیج فارس برای نظارت بر اجرای بخشی از قطعنامه ۶۷۸ شورای امنیت (۱۹۹۱) تأسیس شد. دستور کار این نهاد، عمدتاً ناظر بر امحاء تسلیحات کشتار جمعی عراق بود و نه احراز موارد استفاده از این تسلیحات. ثانیاً، چنان‌که در گزارش UNSCOM آمده، مقامات نظامی عراق، یک سند بسیار مهم و تعیین‌کننده در خصوص استفاده از تسلیحات شیمیایی در جنگ علیه ایران را از بازرسان مخفی کردند. در ژوئیه ۱۹۹۸ سند مورد نظر در مقر فرماندهی نیروی هوایی عراق توسط UNSCOM یافت شد که حاوی اطلاعات دقیقی در خصوص مهمات استفاده‌شده در جنگ علیه ایران بود اما دولت عراق، این سند را از بازرسان پس گرفت و نتیجتاً اطلاعاتی که UNSCOM راجع به جزئیات کاربرد تسلیحات شیمیایی توسط عراق در دسترس داشت، محدود به جنگ خلیج فارس بود (UNSCOM 1999 (Appendix II), para. 38).

خردل ناشی شده‌اند.^۱

ب) تجهیزات پیشرفته استفاده شده برای آنالیز مواد شیمیایی در مناطق اطراف آبادان، بعضاً نشان‌دهنده وجود گاز خردل در محل اصابت بمب‌ها بوده است. همچنین آزمایش بر روی نمونه خاکی که از حوالی یک بیمارستان صحرائی برداشت شده و روز قبل از نمونه برداری مورد اصابت حملات عراق بوده، نشان می‌دهد که این نمونه نیز حاوی میزان بالایی از گاز خردل بوده است. به علاوه، نمونه موی سر یکی از قربانیان نیز آسیب‌دیدگی وی را با گاز خردل تأیید می‌کند.

ه) خلبان اسیر عراقی نیز در اظهارات خود تأیید کرده که نیروهای هوایی عراق برای حمله به مواضع ایران از تسلیحات شیمیایی استفاده می‌کردند. وی اقرار کرده که شخصاً در دو مورد از این «عملیات ویژه» شرکت داشته است (UN Secretary General, 1986: 17-18).

این کارشناسان در جمع‌بندی گزارش خود اشعار داشته‌اند که بر اساس بررسی‌های میدانی و مصاحبه با شاهدان عینی می‌توان با قاطعیت اعلام کرد که نیروهای عراقی در منطقه آبادان و فاو، از تسلیحات شیمیایی استفاده کرده‌اند. این تسلیحات اولاً، با بمب‌های هوایی پرتاب شده و ثانیاً، به‌طور عمد، حاوی گاز خردل بوده است. تعیین دقیق میزان کاربرد گاز خردل امکان‌پذیر نبوده اما می‌توان اعلام کرد که استفاده از این عامل شیمیایی از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶ روند افزایشی داشته است. همچنین در برخی موارد دیگر هم نیروهای نظامی عراق از گازهای محرک سیستم عصبی (عامل اعصاب) استفاده کرده‌اند (UN Secretary General, 1986: 18).

یک هیئت کارشناسی دیگر در سال ۱۹۸۸ از سوی دبیرکل مأموریت یافت تا موضوع حملات شیمیایی عراق به مناطق غیرنظامی (حوالی اشنویه) را بررسی کند (UN Secretary General, 1988). یافته‌های این هیئت به‌طور خلاصه به شرح زیر بوده است:

الف) در پی حمله هوایی به اشنویه، تعدادی از غیرنظامیان دچار عوارض و آسیب‌های ناشی از گاز خردل شده‌اند؛

ب) به علت اصابت بمب‌ها به مناطق خالی از سکنه در حوالی شهر، شدت آسیب‌ها نسبت به حملات قبلی عراق، کمتر بوده است؛

ج) آنالیز نمونه هوا و خاک برداشت شده از اشنویه، حاکی از وجود گاز خردل در نمونه‌ها بوده است؛

د) ترکش‌های یافت شده در حوالی محل اصابت بمب‌ها شواهد زیادی به نمونه‌های آزمایش شده در موارد سابق داشته است (UN Secretary General, 1988: 10-11).

۱. تأکید به متن افزوده شده است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد با استناد به همین گزارش‌ها و گزارش‌های دیگر، با صدور قطعنامه ۶۱۲ (مورخ ۹ مه ۱۹۸۸) و قطعنامه ۶۲۰ (مورخ ۲۶ اوت ۱۹۸۸)، عمیقاً از یافته‌های هیئت‌های کارشناسی دائر بر استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی ابراز نگرانی کرده و این امر را به شدت محکوم کرده است.^۱ لازم به ذکر است که در این قطعنامه‌ها هیچ اشاره‌ای به فصل هفتم منشور وجود ندارد.

بررسی‌های دستگاه‌های اطلاعاتی دولت انگلستان در خصوص برنامه تسلیحات شیمیایی عراق نیز یافته‌های فوق را تأیید می‌کند. مطابق گزارشی که در سال ۲۰۰۲ در این باره تهیه شده (UK Government, 2002)، دولت عراق در اوایل دهه ۱۹۷۰ فعالیت‌های تحقیقاتی خود را در ارتباط با توسعه سلاح‌های شیمیایی آغاز کرد. در سال ۱۹۷۴ مؤسسه‌ای تحت عنوان «الحسن بن الهیثم» به‌طور ویژه مأمور ادامه عملیات تحقیق و گسترش این تسلیحات شد و در اواخر دهه ۱۹۷۰ کار طراحی و احداث کارخانه‌های معظم در ۷۰ کیلومتری شمال عراق برای تولید این مواد در مقیاس صنعتی آغاز شد. این تأسیسات که بعدها نام المثنی^۲ برای آن انتخاب شد، ظاهراً تحت پوشش تولید آفت‌کش‌های شیمیایی فعالیت می‌کرد (UK Government, 2002: 11). ظرفیت تولید مواد شیمیایی در این واحدها در سال ۱۹۹۱ به حدود چهار هزار تن در سال افزایش یافته و تولیدات آن غالباً در اختیار نیروهای نظامی عراق قرار می‌گرفت. گفته می‌شود بخش عمده‌ای از ظرفیت این تأسیسات و واحدهای انبارداری وابسته به آن در فلوجه، در جریان جنگ نیروهای ائتلاف با عراق در سال ۱۹۹۱ از بین رفته است (UK Government, 2002: 11). گزارش دولت انگلستان از وضعیت برنامه تسلیحاتی عراق، همچنین حکایت از آن دارد که عراق در دهه ۱۹۸۰ و در اوج فعالیت‌های تسلیحاتی خود، قادر بوده انواع مختلف عوامل شیمیایی شامل عوامل تاول‌زا (گاز خردل) و عوامل اعصاب (گاز توبان، گاز سارین و گاز وی‌ایکس) را تولید کند. آثار این گازها، به‌طور خلاصه در جدول ۱ معرفی شده است. (به نقل از Horvitz and Catherwood, 2006: 73):

1. SC Res 612 (1988), para. 2; SC Res 620 (1988), para. 1.
2. Al-Muthanna State Establishment.

جدول ۱- آثار عوامل شیمیایی خردل و اعصاب در قربانیان

عامل شیمیایی	مشخصات و آثار در قربانیان
خردل	عامل خردل به شکل مایع تولید می‌شود که می‌تواند بخارات سمی در محیط منتشر کند. قرار گرفتن در معرض بخار خردل باعث سوزش و تاول در پوست می‌شود. تنفس بخار سمی خردل باعث آسیب به مجاری تنفسی می‌شود. مصرف خوراکی آن، تهوع و اسهال شدید ایجاد می‌کند. خردل می‌تواند به چشم‌ها، غشاء مخاطی، ریه، پوست و سیستم خون‌سازی بدن، آسیب جدی وارد کند.
توبان، سارین و وی‌ایکس	همه این گازها عوامل اعصاب محسوب می‌شوند که گاز وی‌ایکس از بقیه سمی‌تر است. قرار گرفتن در معرض این گازها باعث می‌شود که فرد مکرراً دچار گرفتگی (اسپاسم) عضلانی شده و نهایتاً به‌طور کامل فلج شود. تنها وجود ده میلی‌گرم وی‌ایکس بر روی پوست، به مرگ فوری قربانی منجر می‌شود. بنا به نوشته برخی منابع، سربازانی که در معرض عامل اعصاب قرار داشتند، دچار حملات عصبی (هیستریک) و تشنج شده و در بعضی موارد، فریادها یا خنده‌های ممتد آن‌ها آن‌قدر ادامه یافته که نهایتاً به بیهوشی و مرگ منجر شده است.

علاوه بر این، گزارش منابع اطلاعاتی انگلیس نشان می‌دهد که:

۱- عراق ابزارهای مختلفی برای پرتاب و رساندن این عوامل به مناطق مورد نظر در اختیار داشت. تا سال ۱۹۹۱ عراق بیش از ۱۶،۰۰۰ بمب هوایی و بیش از ۱۱۰،۰۰۰ راکت پرتابی تولید کرده است. همچنین بیش از ۵۰ عدد کلاهک حامل مواد شیمیایی و بیش از ۲۵ عدد کلاهک حامل مواد باکتریولوژیک در اختیار داشت که می‌توانست آن‌ها را روی موشک‌های بالستیک سوار کند (UK Government, 2002: 16).

۲- عراق بارها در جنگ علیه ایران از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد. [در زمان تهیه گزارش در سال ۲۰۰۲] همچنان بسیاری از مصدومان شیمیایی در بیمارستان‌های ایران، از آسیب‌های درازمدت (شامل انواع سرطان و بیماری‌های ریوی) رنج می‌برده‌اند. در ۱۷ مارس ۱۹۸۸ دولت صدام در تهاجم علیه کردهای حلبچه از عامل اعصاب استفاده کرد. تهاجم ارتش عراق به حلبچه، بیش از پنج هزار نفر تلفات داشت (UK Government, 2002: 15).

۳- استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی تا سال ۲۰۰۲ بیش از ۲۰،۰۰۰ نفر قربانی و تعداد زیادی مجروح در پی داشت. تنها در یک مورد پس از حمله به حلبچه، ارتش عراق

در حمله به شبه جزیره فاو بیش از یک صد تن گاز سارین علیه نیروهای ایران استفاده کرد. در سه ماه متعاقب حمله به فاو هم استفاده مکرر از گازهای اعصاب در جبهه‌های مختلف علیه نظامیان ایران، تلفات و مصدومین بسیاری به همراه داشت (UK Government, 2002: 15).

یک گزارش دیگر که سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (سیا) آن را تهیه کرده و بخش‌هایی از آن از حالت محرمانه خارج شده است (CIA, 1988)، علاوه بر تأیید استفاده از گازهای خردل و اعصاب توسط عراق، نشان می‌دهد که نیروهای عراقی در سال‌های پایانی جنگ (۱۹۸۸-۱۹۸۶) از گاز سیانید هم علیه مواضع نظامیان ایران استفاده کردند (CIA, 1988: 3).

مشخصات و آثار گاز سیانید در جدول شماره ۲ به اختصار بررسی شده است (Horvitz and Catherwood, 2006: 73):

جدول ۲- آثار عامل شیمیایی سیانید بر قربانیان

عامل شیمیایی	مشخصات و آثار بر قربانیان
سیانید	یکی از خطرناک‌ترین عوامل شیمیایی مورد استفاده در جنگ ایران و عراق؛ تماس با آن باعث احساس خفگی در قربانی می‌شود. دو یا سه مرتبه تنفس این گاز، مرگ حتمی قربانی را به دنبال خواهد داشت. گاز سیانید به میزان جزئی از ماسک‌های مورد استفاده سربازان ایرانی عبور می‌کرد. تنفس این میزان جزئی از گاز سیانید ممکن است باعث مرگ نشود، اما درد و رنج بسیار شدیدی را در قربانی ایجاد می‌کند.

از میان تمامی این موارد، حمله شیمیایی نیروهای عراق به حلبچه به‌طور خاص جلب توجه می‌کند. پیش‌تر با استناد به یافته‌های هیئت کارشناسی منصوب دبیرکل سازمان ملل متحد (۱۹۸۸) اشاره شد که نیروهای عراقی حتی در حمله شیمیایی به شهرهای فاقد استحکامات نظامی ایران (اشنویه) هم تردید زیادی نداشتند. آنچه در حلبچه اتفاق افتاد، نشان می‌دهد که حتی ممکن بود حمله شیمیایی به غیرنظامیان عراقی، به‌منظور نابود ساختن تمام یا بخش عمده‌ای از جمعیت ساکن در آن منطقه نیز در دستور کار دولت بعث عراق قرار بگیرد.

حلبچه یک روستای کردنشین عراقی در نزدیکی مرز ایران بود که در ۱۵ مارس ۱۹۸۸ طی یک عملیات نظامی تحت کنترل نیروهای ایرانی در آمد. البته پیش از تصرف حلبچه، نیروهای ایران در حال پیشروی به سمت سد «دربندی خان» و نیروگاه «دوکان» بودند؛ تأسیساتی که آب و برق بغداد، عمدتاً از آن تأمین می‌شد. ارتش عراق با استفاده از سلاح شیمیایی توانست مانع پیشروی نیروهای ایران به سمت این تأسیسات شود (Ali, 2001: 52). هنگامی که متعاقباً حلبچه به تصرف نیروهای

ایران درآمد، گفته می‌شد که جدایی‌طلبان کرد در این منطقه به نیروهای مهاجم ایرانی کمک کردند. ارتش عراق به تلافی این اقدام کردها، با بمب‌های مجهز به عامل شیمیایی خردل و سیانید به حلبچه حمله کرد. تخمین‌ها حاکی از آن بوده که طی این حملات هوایی، بین پنج تا هشت هزار نفر در حلبچه کشته شدند (Ali, 2001: 52 & Horvitz and Catherwood, 2006: 195).

حمله به حلبچه، بخشی از عملیات منظم و گسترده ارتش عراق، تحت عنوان «عملیات انفال» بود که تحت فرماندهی و نظارت علی حسن المجید، معروف به «علی شیمیایی»^۱ انجام گرفت. وی که پسرعموی صدام حسین بود، در فاصله زمانی مارس ۱۹۸۷ تا آوریل ۱۹۸۹ مسئولیت کلیه سازمان‌های کشوری و لشکری را در مناطق شمالی کردنشین عراق به عهده داشت. به موجب فرمانی که «علی شیمیایی» در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۷ به فرماندهان ارتش صادر کرد، نیروهای تحت امر وی مأموریت داشتند که «با استفاده از بمباران‌های ویژه [اشاره به استفاده از تسلیحات شیمیایی] در این منطقه، بیشترین تعداد ممکن از افراد حاضر در مناطق ممنوعه را نابود کنند» (Horvitz and Catherwood, 2006: 286). تخمین زده شده که در قالب عملیات انفال، بیش از یک‌صد هزار نفر از غیرنظامیان کرد در عراق، کشته یا ناپدید شده‌اند. اسنادی که نظامیان ایالات متحده در جریان اشغال عراق بعد از سال ۲۰۰۳ به دست آوردند، هیچ تردیدی در منظم بودن این حملات و دخالت مؤثر و مستقیم علی حسن المجید (به عنوان عامل اصلی حکومت بعث) در آن‌ها باقی نمی‌گذارد (Horvitz and Catherwood, 2006: 286). بنا به یکی از گزارش‌های سازمان دیده‌بان حقوق بشر، ابعاد عملیات انفال، چنان گسترده بود که می‌توان عناصر جنایت نسل‌کشی را در آن جستجو کرد (HRW, 1993). همچنین گزارش مذکور حاکی از آن است که علاوه بر حمله به حلبچه، نزدیک به ۴۰ مورد حمله شیمیایی دیگر نیز در جریان عملیات انفال در فاصله آوریل ۱۹۸۷ تا اوت ۱۹۸۸ صورت گرفت (HRW, 1993, Appendix C).

بر اساس مطالعه اسناد و گزارش‌های فوق، می‌توان نتیجه گرفت که نیروهای نظامی عراق در جریان جنگ علیه هدف‌های نظامی و غیرنظامی در ایران، به دفعات از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۸ از انواع مختلف سلاح‌های شیمیایی استفاده کردند. بر مبنای دلایل فوق در بررسی حقوقی می‌توان به طور قطع ادعا کرد که استفاده از این تسلیحات در آبادان، فو و کرکوک علیه نیروهای نظامی و همچنین در اشنوویه و سردشت علیه مناطق شهری فاقد استحکامات دفاعی محرز است. علاوه بر این می‌توان به طور قطع تأکید کرد که عملیات انفال اولاً، با هدف نابودی تمام یا بخش بزرگی از جمعیت کرد ساکن در مناطق شمالی عراق انجام شد و ثانیاً، نیروهای عراق، تحت فرماندهی علی حسن المجید، در قالب یک برنامه نظام‌مند دولتی، به دفعات از سلاح‌های شیمیایی استفاده کردند.

۳. مسئولیت کیفری عاملان و آمران استفاده از تسلیحات شیمیایی

در بخش نخست اشاره شد که دولت عراق از سال ۱۹۳۱ به عضویت پروتکل ۱۹۲۵ ژنو درآمد و البته این شرط را لحاظ کرده بود که در صورت استفاده اولیه از سلاح‌های شیمیایی توسط طرف متخاصم مقابل، خود را ملزم به پروتکل نخواهد دانست.^۱ باین حال شورای امنیت سازمان ملل متحد، مکرراً از طرفین جنگ ایران و عراق خواسته که بدون توجه به استفاده از تسلیحات شیمیایی توسط طرف مقابل، از کاربرد این سلاح‌ها علیه یکدیگر خودداری کنند؛ و از عواقب کاربرد این سلاح‌ها عمیقاً ابراز نگرانی کرده است.^۲

در حوزه حقوق کیفری و احراز مسئولیت فردی بانیان و مرتکبین جنایات بین‌المللی باید به چند اصل مهم توجه شود:

- اولاً باید در نظر داشت که مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری فردی با یکدیگر منافاتی نداشته و قابل جمع هستند. بند چهارم ماده ۲۵ معاهده مؤسس دیوان بین‌المللی کیفری (اساسنامه رم: ۱۹۹۸) مقرر می‌دارد که «هیچ‌یک از مقررات این اساسنامه در ارتباط با مسئولیت کیفری فردی، تأثیری در مسئولیت دولت به موجب حقوق بین‌الملل نخواهد داشت». مسئولیت بین‌المللی دولت عراق در ارتباط با جنگ علیه ایران و خسارات ناشی از نقض عرف‌ها و قواعد بین‌المللی حاکم بر هدایت مخاصمات، در جای دیگر قابل بررسی است.^۳

۱. تا سال ۲۰۰۵ تنها ۲۱ کشور از اعضای پروتکل ژنو، کماکان چنین شرطی را حفظ کرده بودند. باین حال، اکثر کشورهای مذکور بعد از سال ۱۹۹۳، به کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید، انباشت و استفاده از تسلیحات شیمیایی (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۳) ملحق شدند که مطابق ماده ۱ آن، هرگونه استفاده از این سلاح‌ها، چه در مقام حمله اولیه و چه در مقام اقدام متقابل، تحت هر شرایطی ممنوع اعلام شده و اعضا امکان هیچ شرطی برای محدود کردن آن ندارند. در حال حاضر (اطلاعات سال ۲۰۱۳) تنها دولت‌های غیرعضو کنوانسیون ۱۹۹۳، عبارت‌اند از آنگولا، برمه، مصر، رژیم صهیونیستی، کره شمالی و سودان جنوبی. از این میان، کره شمالی و رژیم صهیونیستی نیز به‌طور یک‌جانبه اعلام نموده‌اند که به‌هیچ‌وجه از سلاح‌های شیمیایی استفاده نخواهند کرد و قویاً به تعهد بر امحاء این تسلیحات پایبند خواهند بود. برای شرح بیشتر، ن. ک (هنکرتز و اوسوالدبک، ۱۳۸۷، ص ۳۹۵ به بعد).

2. SC Res 582 (1986); SC Res 598 (1987); SC Res 612 (1988); SC Res 620 (1988).

۳. در این خصوص لازم است توجه شود که در بند ششم قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت (۱۹۸۷) از دبیرکل ملل متحد تقاضا شده که ضمن مشورت با دولت ایران و دولت عراق، یک هیئت بی‌طرف را مأمور بررسی مسئله مسئولیت جنگ کند و در اسرع وقت به شورا گزارش دهد. بر این اساس، *خوابیر پریز دکوتیار*، دبیرکل وقت ملل متحد در گزارش خود که به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۹۱ تهیه و به شورا تقدیم کرد، مسئولیت شروع جنگ در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) را متوجه عراق دانست. دبیرکل اشاره کرد که این اقدام عراق به هیچ صورت بر اساس مقررات منشور ملل متحد، اصول و عرف‌های پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل و هیچ قاعده اخلاق بین‌المللی قابل توجیه نیست و مسئولیت بین‌المللی عراق را به دنبال دارد. همچنین اشغال طولانی مدت مناطق سرزمینی ایران برخلاف قاعده منع توسل به زور، مصداق نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل شناخته شده است. علاوه بر این، در همان گزارش به اعزام هیئت‌های کارشناسی مختلف برای بررسی مسئله استفاده از سلاح‌های شیمیایی اشاره شده و دبیرکل با اشاره به یافته‌های این هیئت‌ها، از نقض قواعد حقوق بشردوستانه در جنگ (با اشاره ویژه به حمله شیمیایی به مناطق شهری فاقد استحکامات دفاعی) ابراز تأسف کرده است.

"Further Report of the Secretary-General on the Implementation of Security Council Resolution 598 (1987)", United Nations Security Council S/23273 (9 December 1991), available at <http://documents.un.org/> (see esp. paras. 6-8)

- ثانیاً و به‌طور متقابل، مسئولیت بین‌المللی دولت نیز هیچ تأثیری در مسئولیت کیفری فردی - مرتکبین جنایات بین‌المللی ندارد. دادگاه نظامی رسیدگی به جنایات سران نازی که پس از جنگ جهانی دوم در نورنبرگ تشکیل شد،^۱ با این ادعا مواجه بود که اتهامات متوجه متهمین، در صورت اثبات، عمل دولت آلمان است و باید در این حالت، صرفاً مسئولیت بین‌المللی دولت مورد توجه قرار بگیرد. دادگاه ضمن رد این ادعا در فراز مشهوری از رأی مقرر داشته:

جنایات علیه حقوق بین‌الملل، توسط افراد انسانی ارتکاب می‌شود، نه توسط اشخاص انتزاعی [از قبیل دولت]؛ و تنها از طریق مجازات افرادی که مرتکب جرائم مذکور شده‌اند می‌توان اجرای قواعد حقوق بین‌الملل را تضمین کرد ... (International Military Tribunal, 1947: 223).

- ثالثاً، اجرای اصل قانونی بودن جرم^۲ در حقوق بین‌الملل، با اجرای این اصل در حقوق داخلی متفاوت است.^۳ در این مورد نیز رویه دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ جلب توجه می‌کند. متهمین در نورنبرگ (به‌ویژه در ارتباط با جنایات علیه صلح) ادعا می‌کردند که در وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل، هیچ سندی برای مسئولیت کیفری فردی آمران و عاملان جنگ تجاوزکارانه وجود نداشته و تمامی اسنادی که در آن زمان راجع به ممنوعیت جنگ تهیه شده، صرفاً متوجه روابط خارجی دولت‌ها بوده است (International Military Tribunal, 1947: 9- 168). دادگاه نظامی نورنبرگ ضمن رد این ادعا چنین اظهارنظر کرده است:

قاعده کلی قانونی بودن جرم، محدودیتی بر [اختیارات قضایی] حاکمیت تلقی نمی‌شود، بلکه قانونی بودن جرم، یکی از اصول عمومی عدالت است [و باید در خدمت تأمین عدالت باشد]. در مورد کسانی که بدون اعتنا به معاهدات و تضمین‌های موجود و بدون هشدار قبلی به خاک کشور همسایه حمله می‌کنند نمی‌توان [با استناد به اصل قانونی بودن جرم] گفت مجازات آن‌ها ناعادلانه است. نه تنها مجازات چنین افرادی ناعادلانه نیست بلکه اتفاقاً بدون مجازات ماندن این اعمال، برخلاف عدالت خواهد بود. در ضمن، این پرسش مطرح است که آثار حقوقی پیمان بریان-کلوگ

در این خصوص همچنین، ن. ک: (ممتاز، ۱۳۷۶: ۷۸-۷۷).

۱. لازم به یادآوری است که مجمع عمومی ملل متحد در قطعنامه شماره ۹۵(I)، مصوب ۱۹۴۶ تصدیق کرد که اصول حقوقی مندرج در اساسنامه و آرای دادگاه نظامی نورنبرگ، بخشی از حقوق بین‌الملل است.

2. Nullum Crimen Sine Lege.

۳. برخی از نویسندگان در بررسی اصل قانونی بودن جرم، قائل به تفکیک میان قوانین شکلی و قوانین ماهوی هستند. قوانین ماهوی لزوماً باید قبل از ارتکاب فعل یا ترک فعل مجرمانه، وجود و اعتبار داشته باشند اما قوانین شکلی (و صلاحیت محاکم) ممکن است به نحوی تغییر کنند که شامل اعمال مجرمانه سابق شوند. می‌توان گفت «مقتضای اصل قانونی بودن جرم این نیست که فرد در لحظه عمل، دقیقاً بداند که عمل وی چه قانونی را نقض می‌کند» بلکه مدلول این اصل آن است که فرد باید در لحظه عمل، نسبت به هر آنچه عمل وی را به لحاظ اخلاقی توجیه می‌کند و انتخاب وی را نسبت به انجام یا ترک فعل مورد نظر، تحت تأثیر قرار می‌دهد، آگاهی داشته باشد (Fletcher, 1998: 12-13). به نظر می‌رسد که محاکم کیفری بین‌المللی نیز از همین مفهوم به‌خوبی استفاده کرده‌اند.

[پیمان عمومی منع توسل به زور، (پاریس: ۱۹۲۸)] برای اتباع آلمان چیست؟ با محکوم کردن جنگ در پیمان مذکور ... دولت‌ها پذیرفته‌اند که چنین عملی در حقوق بین‌الملل ممنوع است و لذا فردی که برای چنان جنگی برنامه‌ریزی کرده یا آن را آغاز کند، مرتکب جنایت بین‌المللی شده است (International Military Tribunal, 1947: 219-20).

به بیان دیگر، هرگاه عملی در قالب یک کنوانسیون بین‌المللی ممنوع اعلام شود، نیازی نیست که لزوماً به «جرم بودن» آن عمل نیز تصریح شود.^۱ واضح است که مشابه همین استدلال را می‌توان در خصوص اتباع عراق و پروتکل ژنو (۱۹۲۵) مطرح کرد. حتی تحول عرف بین‌المللی نیز می‌تواند مقتضیات قاعده «قانونی بودن جرم» را در حقوق بین‌الملل کیفری تأمین کند، مشروط بر آنکه بر اساس عرف بتوان یک قاعده مشخص حقوق بین‌الملل را احراز کرد (چنان که در پرتو آن قاعده، با حد بالایی از قطعیت، مشخص باشد که انجام یک عمل به موجب حقوق بین‌الملل ممنوع است). این ارتباط میان عرف بین‌المللی و قاعده قانونی بودن جرم را می‌توان در رأی شعبه تجدید نظر دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ (رسیدگی به اعتراضات صلاحیتی) ملاحظه کرد.^۲ و کلاهی تادیچ در بخشی از اعتراضات صلاحیتی خود مدعی بودند که شورای امنیت در تدوین اساسنامه دادگاه یوگسلاوی که به «جنایات علیه بشریت» ارتباط داشته،^۳ به امکان ارتکاب این جنایات در «مخاصمه مسلحانه داخلی یا بین‌المللی» اشاره کرده است. تا پیش از آن در هیچ سند دیگری اشاره نشده که جنایات علیه بشریت در مخاصمات داخلی هم قابل تعریف هستند و به‌طور مشخص، اساسنامه دادگاه نظامی نورنبرگ، این جنایات را صرفاً در قالب مخاصمات بین‌المللی تعریف کرده؛ و لذا اجرای این بخش از اساسنامه دادگاه یوگسلاوی علیه متهم، ناقض اصل قانونی بودن جرم خواهد بود (Prosecutor v. Tadic, 1995:39). شعبه تجدید نظر ضمن رد این اعتراض اشاره کرد که «عرف بین‌المللی از زمان رسیدگی‌های نورنبرگ تا دهه ۱۹۹۰ به نحوی تحول یافته است که دیگر لزوماً ارتباطی میان جنایت علیه بشریت و مخاصمه بین‌المللی وجود ندارد. در واقع، بنا به تحولات عرف بین‌المللی می‌توان گفت که حتی نیازی نیست عملی در

۱. دادگاه ضمن عنایت به کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه، اشاره کرد که این کنوانسیون‌ها «به کارگیری برخی اعمال مشخص را در زمان جنگ، ممنوع اعلام کرده‌اند ... در هیچ جای این کنوانسیون‌ها به وجه کیفری نقض قواعد مذکور یا به تشکیل دادگاهی برای رسیدگی به مسئولیت کیفری افراد اشاره نشده است. با این حال، دادگاه‌های نظامی به‌طور معمول، افراد را به اتهام نقض قواعد ... مندرج در این کنوانسیون‌ها تحت تعقیب قرار می‌دهند». (International Military Tribunal, 1947: 221). همچنین ن.ک: مدرس سزواری، ۱۳۹۲: ۳۲-۳.

2. Prosecutor v. Dusko Tadic, Decision on the Defence Motion for Interlocutory Appeals on Jurisdiction (2 October 1995), available at <http://www.icty.org/x/cases/tadic/acdec/en/51002.htm> (retrieved: Feb-2015).

۳. ن.ک: ماده ۵ اساسنامه دادگاه رسیدگی به جنایات در یوگسلاوی، منضم به قطعنامه ۸۲۷ شورای امنیت (۱۹۹۳).

چارچوب مخاصمه انجام شود^۱ تا بتوان آن را به‌عنوان جنایت علیه بشریت شناسایی کرد» (Prosecutor v. Tadic, 1995: paras 140-41).

بر این اساس در بحث حاضر، نسبت به امکان جرم‌انگاری و مجازات‌عاملان و آمران استفاده از سلاح‌های شیمیایی به‌موجب حقوق بین‌الملل، تردید چندانی وجود ندارد. همان‌گونه که در بخش نخست اشاره شد، ممنوعیت کاربرد این سلاح‌ها در دهه ۱۹۸۰ با استناد به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو کاملاً محرز بود. مجمع عمومی ملل متحد در چندین موقعیت مختلف (همگی پیش از کاربرد وسیع تسلیحات شیمیایی توسط عراق) صراحتاً اشاره کرده که ممنوعیت کاربرد روش‌ها و سلاح‌های شیمیایی [مطابق مقررات پروتکل ۱۹۲۵] «بخشی از قواعد عموماً شناخته‌شده حقوق بین‌الملل» به شمار می‌رود؛^۲ در برخی موارد، آن را شدیداً محکوم کرده^۳ و گاهی نیز آن را «برخلاف هنجارهای پذیرفته‌شده تمدن» دانسته است.^۴

مطالعه رویه بین‌المللی دولت‌ها نشان می‌دهد که در دوران درگیری میان ایران و عراق، کاربرد این تسلیحات در بسیاری از قوانین داخلی کشورها صراحتاً ممنوع و بعضاً جرم‌انگاری شده است. ذیلاً در جدول شماره ۳ به برخی از این قوانین اشاره شده است. (برگرفته از: Henckaerts and Oswald-Beck, 2005, pp. 1669-76)^۵

جدول ۳- قوانین برخی کشورها در خصوص ممنوعیت و جرم‌انگاری کاربرد تسلیحات شیمیایی (تا پیش از ۱۹۹۳)

نام کشور	قانون (تاریخ تصویب)	شرح
بلغارستان	قانون مجازات (با اصلاحات ۱۹۶۸)	ماده (۱) ۴۱۵: هر شخصی که برخلاف قواعد حقوق بین‌الملل در مخاصمات، از سلاح‌های شیمیایی استفاده کند یا دستور استفاده از این سلاح‌ها را بدهد، مرتکب جنایت جنگی شده است.
چین	قانون محاکمه جنایتکاران جنگی (۱۹۴۶)	ماده (۱۲) ۳: استفاده از گازهای سمی جنایت جنگی به شمار می‌رود.
کلمبیا	قانون اساسی (۱۹۹۱)	ماده ۸۱: تولید، واردات، در اختیار داشتن و استفاده از سلاح‌های شیمیایی ممنوع است.

۱. لازم به ذکر است که در اساسنامه رم (۱۹۹۸)، در تعریف جنایات علیه بشریت، هیچ اشاره‌ای به مخاصمات مسلحانه، اعم از داخلی و بین‌المللی وجود ندارد.

۲. A/Res/2603 A (XXIV), 16 December 1969; A/Res 2707 (XXV), 14 December 1970.

۳. A/Res/3318 (XXIX), 14 December 1974.

۴. A/Res 37/98 E, 13 December 1982.

۵. البته فهرست این قوانین داخلی بسیار مفصل‌تر است اما با توجه به اینکه بسیاری از کشورها بعد از تصویب یا الحاق به کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی (۱۹۹۳)، یا بعد از تصویب یا الحاق به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (۱۹۹۸) قوانین خود را تغییر داده‌اند، صرفاً قوانین قبل از ۱۹۹۳ در جدول فوق مورد توجه قرار گرفته است.

ماده ۱۱۷/۴: نیروهای نظامی و انتظامی که از گازهای خفه‌کننده یا سمی استفاده کنند، به موجب قانون، مجازات خواهند شد.	قانون ملی مربوط به مجازات و پلیس شهری (۱۹۶۰)	اکوادور
بخش ۱۶۰/الف: به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و تجهیزات جنگی مرتبط با آن ... جنایت جنگی محسوب می‌شود.	قانون مجازات (اصلاحات) (۱۹۷۸)	مجارستان
ماده ۵۱: استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی و گازهای مشابه، مطابق مقررات بین‌المللی قابل اعمال، ممنوع است.	دستورالعمل مربوط به قواعد جنگ (۱۹۳۸ و اصلاحات بعدی)	ایتالیا
ماده ۱: «استفاده از گازهای آسیب‌زا و خفه‌کننده» در شمار جنایات جنگی است.	احکام مربوط به جنایات جنگی (۱۹۴۶)	هلند
ماده (۱)۱۴۸: استفاده یا دستور به استفاده از ابزارها و روش‌های جنگی که به موجب حقوق بین‌الملل ممنوع شده، جنایت جنگی محسوب می‌شود. تفسیر ماده (۱)۱۴۸: اشاره به گازهای شیمیایی به عنوان یکی از مصادیق	قانون مجازات (۱۹۷۶) و تفاسیر رسمی آن (۱۹۷۶)	یوگسلاوی سابق

ایران و عراق، هیچ‌یک قاعده مشخصی در قوانین داخلی خود نسبت به این موضوع تدوین نکرده‌اند. البته صرفاً با توجه به ماده ۹ قانون مدنی^۱ می‌توان ادعا کرد که مقررات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در زمان جنگ ایران و عراق، در حکم قانون داخلی ایران بوده است؛ اما چیزی بیش از این مقررات (به‌ویژه اشاره صریح به جرم‌انگاری جنایات جنگی و تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به این جنایات) در قوانین داخلی ایران یافت نمی‌شود: «قانون دادرسی و کیفر ارتش» مصوب ۱۳۱۸/۱۰/۴ [۱۹۳۹ میلادی] در باب دوم (ماده ۳۱۰ به بعد) به بحث جرائم و جنبه‌های تحت صلاحیت دیوان‌های حرب پرداخته است.^۲ این جرائم به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

خیانت، جاسوسی و تحریک به جاسوسی (فصل اول)؛ سوء قصد به حیات شاه و ولیعهد (فصل دوم)؛ تخلف از تکالیف نظامی از قبیل ترک محل خدمت و غیره (فصل سوم)؛ شورش، امتناع از دستور مافوق، تعرض نسبت به نگهبان، توهین و تمرد (فصل چهارم)؛ سوء استفاده از اختیارات و گزارش یا گواهی خلاف واقع (فصل پنجم)؛ عدم اطاعت و فرار (فصل ششم)؛ تقلب و دسیسه در امور نظام وظیفه (فصل هفتم)؛ فروش، حیف و میل و مخفی کردن اشیاء نظامی (فصل هشتم)؛ سرقت

۱. ماده ۹ قانون مدنی: مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی میان ایران و دول دیگر منعقد شده باشد، در حکم قانون است.

۲. قانون دادرسی و کیفر ارتش، مصوب کمیسیون قوانین دادگستری (۴ دی ماه ۱۳۱۸)؛ قابل دستیابی در نشانی:

(فصل نهم)؛ غارت و تخریب و منازعه (فصل دهم)؛ سوءاستفاده و جعل و تزویر در امور ارتش (فصل یازدهم)؛ ارتشاء و اختلاس در امور اداری و مالی ارتش (فصل دوازدهم)؛ استعمال غیرقانونی البسه و نشان‌های نظامی (فصل سیزدهم)؛ راهزنی در راه‌ها و شوارع و سرقت با اسلحه (فصل چهاردهم).

در قانون مذکور، کوچک‌ترین اشاره‌ای به قوانین و عرف‌های زمان جنگ بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل وجود ندارد. صرفاً در ماده ۴۱۲ قید شده که «درمورد بزه‌هایی که در این قانون پیش‌بینی نشده، دادگاه‌های نظامی بر طبق مقررات قانون کیفر عمومی و سایر قوانین مربوط به بزه عمل خواهند نمود». طبیعتاً این مورد مربوط به وضعیتی است که دادگاه نظامی بر اساس وضعیت متهم (Ratione Personae) دارای صلاحیت باشد (ماده ۱ قانون مذکور مقرر داشته که «رسیدگی به بزه‌های منتسب به نظامیان بر طبق این قانون در دادگاه‌های اختصاصی نظامی به عمل می‌آید. علاوه بر این در ماده ۳۱ و نیز تبصره ماده ۹۱ همین قانون مقرر شده که به اتهامات اسرای جنگی نیز در دادگاه‌های نظامی رسیدگی خواهد شد).

بنابراین می‌توان فرض کرد که اگر در زمان اجرای قانون ۱۳۱۸ به شرح فوق، دولت ایران، برخی از جنایات بین‌المللی مورد بحث را جرم‌انگاری می‌کرد، با استناد به ماده ۴۱۲ فوق می‌بایست دادگاه‌های نظامی به آن رسیدگی می‌کردند. اما این قانون به موجب ماده ۱۳۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (مصوب ۱۳۸۲) صریحاً نسخ شده است.^۱

قانون مصوب ۱۳۸۲ نیز در برشمردن عناوین مجرمانه تحت صلاحیت دادگاه‌های نظامی، از حیث توجه به جنایات بین‌المللی، نوآوری خاصی نسبت به قانون ۱۳۱۸ ندارد.^۲ علاوه بر این رسیدگی به جرائم اسیران جنگی نیز در این قانون مغفول مانده است.^۳ اما مشابه قانون ۱۳۱۸ در اینجا نیز مقرر شده که اگر مجازات جرمی در این قانون مشخص نشده باشد، دادگاه نظامی (که بر اساس وضعیت شخصی متهم، صلاحیت رسیدگی دارد)، طبق قوانین عمومی تعیین کیفر خواهد نمود (ماده ۲). مطابق قانون مصوب ۱۳۸۲، هرگاه دولت ایران نسبت به جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی اقدام کند، صرفاً به شرطی که این جنایات توسط نیروهای نظامی ایرانی اتفاق افتاده باشند، دادگاه نظامی طبق مقررات عمومی رسیدگی و تعیین مجازات خواهد کرد. به این ترتیب، رسیدگی به جنایات

۱. قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مصوب ۹ دی ۱۳۸۲ - قابل دستیابی در نشانی:

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/94088>.

۲. در این قانون، عنوان «جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی» جایگزین عبارت «سوء قصد به حیات اعلی حضرت همایون شاهنشاه و الاحضرت همایون ولایت‌عهد» شده و همچنین عنوان مجرمانه «آتش‌زدن و تخریب» نیز به فهرست جرائم نظامیان اضافه شده است.

۳. ن.ک: ماده ۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (۱۳۸۲).

بین‌المللی که در زمان جنگ توسط نیروهای نظامی متخاصم علیه ایران اتفاق می‌افتد، از صلاحیت دادگاه‌های نظامی ایران خارج است ولو آنکه متهم در ایران یافته و دستگیر شود.

البته شاید گفته شود که در این حالت، دادگاه‌های عمومی جزایی می‌توانند طبق مقررات عمومی قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، به‌ویژه مواد ۳ و ۴ و ۸ قانون مذکور، به اتهامات سرپاز خارجی که در ایران یا علیه اتباع ایران، مرتکب جنایت جنگی شده رسیدگی کنند.^۱ به‌هرحال این امر، بی‌تردید مشروط به آن است که جنایات بین‌المللی مورد بحث، مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، در قوانین ایران جرم‌انگاری شده باشند.^۲

همان‌گونه که گفته شد، تا کنون در قوانین ایران، هیچ‌یک از جنایات بین‌المللی صراحتاً جرم‌انگاری نشده است. تنها در سال ۱۳۸۷ لایحه‌ای تحت عنوان «لایحه رسیدگی به جرائم بین‌المللی» از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد و کمیسیون قضایی مجلس در تیرماه ۱۳۹۲ این لایحه را با لایحه دیگر با عنوان «لایحه معاضدت‌های قضایی بین‌المللی در امور کیفری» ادغام، و به صحن مجلس تقدیم کرد. تا زمان تهیه این نوشته، خبری از بررسی این لوایح در صحن مجلس وجود ندارد. اما در بخشی از این لایحه که به جنایات جنگی مربوط است (ماده ۳ لایحه جرائم بین‌المللی)، ارتکاب برخی اعمال «در حین مخاصمه مسلحانه علیه اشخاصی که در مخاصمات مسلحانه شرکت ندارند یا علیه اموال و اهداف غیرنظامی»، جنایت جنگی محسوب شده است.^۳

بدون شک، این تعریف بسیار ناقص است؛ حداقل از این جهت که طبق موازین حقوق بین‌الملل، برخی از اعمال مندرج در ماده ۳ لایحه مذکور، حتی در صورت ارتکاب علیه نظامیان هم جنایت جنگی محسوب می‌شود؛ از جمله بند (خ) ماده ۳ که صراحتاً «به‌کاربردن سم یا سلاح‌های سمی، گازهای خفه‌کننده یا سیالات، مواد و ابزارهای مشابه» را (با شرایطی که گفته شد) در عداد جنایت جنگی تلقی کرده و مرتکب را مستحق سه تا بیست سال حبس دانسته است.^۴

۱. از قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) - ماده ۳: «قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، هوایی و دریایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اجرا می‌شود...» ماده ۴: «هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود، در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است.» ماده ۸: «هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران، علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی ... شود و در ایران یافت شود و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد...»

۲. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.»

۳. به نقل از مصاحبه الهیار ملک‌شاهی، رئیس کمیسیون قضایی مجلس با خبرگزاری تسنیم، مورخ ۱۱ تیر ۱۳۹۲ - قابل دسترسی در: <http://www.tasnimnews.com/Home/Single/89700> (accessed: Feb-2015).

۴. برخی دیگر از مواردی که در ماده ۳ لایحه مذکور بر شمرده شده، اصولاً ارتباط مستقیمی به غیرنظامیان ندارد؛ مثلاً بند (ج) راجع به سوءاستفاده از پرچم، متارکه جنگ یا نشان‌ها یا لباس‌های متحدالشکل دشمن یا سازمان ملل؛ یا بند (ذ) در

در ماده ۴ این لایحه اشاره شده که قوه قضائیه باید شعب خاصی از دادسرا و دادگاه جنایی تهران را برای رسیدگی به جنایات مذکور (شامل جنایت نسل‌کشی و جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، البته با تعاریفی که خالی از اشکال نیست) اختصاص دهد. در این مورد هم فرمول مورد علاقه قانونگذار ایران، مبنی بر اختصاص شعب خاص از دادگاه‌های عمومی به یک امر خاص، چندان مناسب به نظر نمی‌رسد، بلکه شاید تأسیس دادگاه اختصاصی برای رسیدگی به امور حقوق بین‌الملل (با دادسرای اختصاصی و شعب حقوقی و جزایی) روش مناسب‌تری باشد.^۱

به‌رحال با توجه به اینکه صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری مطابق بند ۱ ماده ۱۱ اساسنامه رم (۱۹۹۸)، از نظر زمانی محدود به جرائمی است که بعد از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه ارتکاب یافته باشد (یعنی بعد از سال ۲۰۰۲)، امکان رسیدگی به «کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق» در دیوان مذکور، عملاً منتفی است. راه‌حل دیگر آن است که یک مرجع ویژه (نظیر دادگاه‌های بین‌المللی رسیدگی به جنایات در یوگسلاوی سابق و رواندا) یا یک مرجع قضایی مختلط (نظیر دادگاه‌های سیرالئون و کامبوج) مثلاً با مشارکت ایران و سازمان ملل متحد برای رسیدگی به موضوع تشکیل شود. این امر نیز با توجه به پیچیدگی‌های مختلفی که پیش روی آن وجود دارد، بسیار دور از دسترس می‌نماید؛ حداقل به این دلیل که دخالت سازمان ملل متحد در نظام قضایی کشورها، محدود به مواردی است که بحران بین‌المللی حل نشده وجود داشته و برای اجابت مقتضیات «عدالت انتقالی» نیاز به دخالت خارجی در این امور وجود داشته باشد (که در این مورد، چنین مقتضیاتی وجود ندارد).

بنابراین به نظر می‌رسد مؤثرترین راه برای حمایت کیفری از قربانیان کاربرد تسلیحات شیمیایی و منع بی‌کیفری عاملان و آمران کاربرد تسلیحات شیمیایی در جنگ ایران و عراق آن است که تعاریف شناخته‌شده و صحیحی از جنایات بین‌المللی در قوانین داخلی جذب شود و صلاحیت دادگاه‌های ایران به نحو مناسبی برای رسیدگی به این جنایات گسترش یابد.

با توجه به اصول پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل کیفری که در ابتدای بخش سوم به برخی از آن‌ها اشاره شد، عطف به‌ماسبق کردن قوانین ناظر بر جنایات بین‌المللی و نیز تسری صلاحیت

ارتباط با به‌کارگیری اجباری کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح یا به‌منظور مشارکت فعال در عملیات جنگی؛ بنابراین به نظر می‌رسد که صدر ماده نباید صرفاً مقید به حملات علیه غیرنظامیان باشد. ضمناً همان‌گونه که در متن اشاره شد، محدود کردن جنایات جنگی به این صورت، نظامیان را از حمایت‌های مقرر در حقوق بین‌الملل محروم می‌کند.

۱. در چارچوب برخی قوانین دیگر (از جمله «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی»، مصوب ۱۳۹۰) نیز وجود شعب خاص امور حقوق بین‌الملل پیش‌بینی شده است. علاوه بر این، رسیدگی به اموری از قبیل اجرای احکام دادگاه‌های خارجی، اجرای آرای دوری بین‌المللی و نظایر آن، در برخی موارد، رسیدگی تخصصی در دادگاه ویژه امور بین‌الملل را طلب می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد که دادگاه اختصاصی امور بین‌الملل (در مقایسه با شعب خاص دادگاه عمومی) می‌تواند پاسخ مناسبی برای این اقتضانات جدید در نظام قضایی ایران باشد.

دادگاه به این موارد، لزوماً منافاتی با اصل قانونی بودن جرم نخواهد داشت. ضمناً به نظر می‌رسد سایر مبانی صلاحیتی دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران، علی‌الاصول طبق مقررات عمومی حقوق جزای ایران محقق است. بنابراین در صورت جذب صحیح مقررات حقوق جزای بین‌الملل در حقوق داخلی، امکان حمایت مؤثر از قربانیان جنایات جنگی (از جمله قربانیان تسلیحات شیمیایی) وجود خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

بر اساس گزارش‌هایی که نهادهای ثالث بی‌طرف تهیه کرده‌اند، تردیدی وجود ندارد که نیروهای نظامی عراق در جریان جنگ علیه هدف‌های نظامی و غیرنظامی در ایران، به‌دفعات از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۸ دست به استفاده از انواع مختلف سلاح‌های شیمیایی زده‌اند. مطابق اسنادی که به‌اختصار مورد توجه این تحقیق قرار گرفت، هیچ تردیدی درباره استفاده از تسلیحات شیمیایی در آبادان، فاو و کرکوک علیه نیروهای نظامی، و همچنین در اشنویه و سردشت علیه مناطق شهری فاقد استحکامات دفاعی وجود ندارد. علاوه بر این می‌توان به‌طور قطع تأیید کرد که عملیات بزرگی تحت عنوان «انفال» اولاً، با هدف نابودی تمام یا بخش بزرگی از جمعیت کرد ساکن در مناطق شمالی عراق انجام شده و ثانیاً، نیروهای عراق تحت فرماندهی علی حسن المجید (معروف به علی شیمیایی)، در قالب برنامه منظم دولتی، به‌دفعات از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده‌اند.

استفاده از تسلیحات شیمیایی در جریان مخاصمه، چه علیه اهداف نظامی و چه علیه مواضع شهری فاقد استحکامات دفاعی، قطعاً برخلاف تعهدات بین‌المللی دولت عراق به‌موجب حقوق عرفی و معاهدات حاکم بر مخاصمات مسلحانه بوده است. این تحقیق بر این باور است که علاوه بر مسئولیت بین‌المللی دولت عراق، باید بر مسئولیت کیفری فردی عاملان و آمران این جنایات به‌موجب حقوق بین‌الملل پافشاری کرد. در پاسخ به این پرسش که آیا کاربرد تسلیحات شیمیایی علیه اهداف نظامی یا غیرنظامی در زمان جنگ ایران و عراق به‌موجب قوانین جزایی دو کشور یا به‌موجب حقوق بین‌الملل جرم‌انگاری شده یا خیر، باید گفت:

- اولاً، سوابقی از محاکمه و مجازات ناقضان قواعد زمان جنگ در محاکم نظامی (اعم از داخلی و بین‌المللی) پیش از دهه ۱۹۸۰ وجود دارد و لذا این جنایتکاران می‌دانستند که اعمال آن‌ها با چه عواقبی مواجه می‌شود؛

- ثانیاً، بی‌کیفرماندن خطرترین جنایات مورد توجه جامعه بین‌المللی، برخلاف اصول عدالت

است؛

- ثالثاً، باید در نظر داشت که «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» یکی از اصول عدالت است و نباید از آن برخلاف سایر اصول عدالت استفاده کرد.

به بیان دیگر، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، در حقوق بین‌الملل، به نحوی متفاوت از حقوق داخلی اجرا می‌شود؛ امری که به ویژگی‌های نظام حقوق بین‌الملل مربوط می‌شود (لازم به یادآوری است که این شیوه استدلال و نتایج آن، شباهت زیادی با استدلال دادگاه نظامی بین‌المللی در نورنبرگ دارد).

بر این اساس می‌توان گفت که با احراز ممنوعیت کاربرد تسلیحات شیمیایی در دهه ۱۹۸۰، نیازی به احراز جرم‌انگاری صریح آن وجود ندارد. به این ترتیب اگر دادگاه بین‌المللی حائز صلاحیت بتواند به موضوع رسیدگی کند، طبیعتاً نباید مشکل زیادی در بحث قانونی بودن جرم و مجازات داشته باشد. اما بررسی مراجع کیفری موجود نشان می‌دهد که حدود صلاحیتی آن‌ها کوچک‌ترین ارتباطی با جنایات مورد نظر در بحث حاضر ندارد.

بنابراین تنها راه موجود، به نظر نویسندگان این تحقیق، آن است که حقوق بین‌الملل کیفری در دادگاه‌های داخلی جمهوری اسلامی ایران اعمال شود. از آنجا که محاکم ایران دارای ارتباط سرزمینی و ارتباط شخصی (منفعل) با جرائم مورد بحث هستند، مسئله صلاحیت به راحتی قابل حل است. اما در اعمال صلاحیت جزائی توسط دادگاه داخلی لازم است عناصر قانونی جرم به دقت تعریف شود. جستجویی در قوانین کشور نشان می‌دهد که قانونگذار ایران به هیچ وجه عنایت شایسته‌ای به جنایات بین‌المللی نداشته و از این حیث ممکن است دادگاه‌های داخلی نیز حداقل در اعمال صلاحیت جزایی با پیچیدگی‌هایی مواجه شوند. پیشنهاد این تحقیق آن است که جنایات جنگی (در کنار جنایات علیه بشریت و جنایت نسل‌کشی) با عناصر و استانداردهایی که عموماً به عنوان بخشی از حقوق عرفی بین‌المللی شناخته شده، در قوانین داخلی ایران جرم‌انگاری شود تا محاکم ایران بتوانند ضمن تحکیم پایه‌های هنجاری حقوق بین‌الملل، در جهت حمایت از قربانیان جنایات فجیع و مصائبی که بر ملت ایران رفته، به نحو مؤثر، و البته مستقل و بی‌طرفانه، ایفای نقش کنند.

منابع

الف) فارسی

- دوسوالد بک، لوئیز. (۱۳۹۰). «اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی در جنگ‌های آینده»، *حقوق بشردوستانه بین‌المللی*، تألیف و ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی؛ تهران: نشر میزان.
- رابرتس، آدام. (۱۳۹۰). «حقوق جنگ در مخاصمه ۹۱-۱۹۹۰ خلیج (فارس)»، *حقوق بشردوستانه بین‌المللی*؛ تألیف و ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی؛ تهران: نشر میزان.
- فیلک، دیتسر. (۱۳۸۷). *حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه*؛ ترجمه: جمعی از نویسندگان، ویرایش: سیدقاسم زمانی و نادر ساعد؛ تهران: شهر دانش.
- مدرس سبزواری، ساسان. (۱۳۹۲). *جنگ تجاوزکارانه و انسانی شدن حقوق بین‌الملل*؛ تهران: نشر میزان.
- ممتاز، جمشید. (۱۳۷۶). *ایران و حقوق بین‌الملل*؛ تهران: نشر داد گستر.
- ممتاز، جمشید. (۱۳۹۰). «جنایات جنگی در منازعات مسلحانه غیربین‌المللی مطابق اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری»، *حقوق بشردوستانه بین‌المللی*؛ تألیف و ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی؛ تهران: نشر میزان.
- هنکرتز، ژان-ماری و لوئیس دوسوالد بک. (۱۳۸۷). *حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی*؛ ترجمه: دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، (ویرایش: کتابون حسین نژاد و پوریا عسکری)؛ جلد اول: قواعد؛ تهران: مجد.

ب) انگلیسی

Books:

- Fletcher, George P. (1998), *Basic Concepts of Criminal Law*, New York: Oxford University Press.
- Henckaerts J. M. and L. Doswald-Beck (2005), *Customary International Humanitarian Law*, vol. II: Practice, Cambridge: Cambridge University Press.
- Hiro D. (2008), *The Longest War: The Iran-Iraq Military Conflict*, New York: Rutledge.
- Horvitz L. A. and C. Catherwood (2006), *Encyclopedia of War Crimes and Genocide*, Facts on File Inc., New York.
- Joyner D. H. (2008), "The Challenges of Counter-Proliferation: Law and Policy of the Iraq Intervention", *The Iraq War and International Law* by Phil Shiner

and Andrew Williams (eds.), Oregon: Hart Publishing.

- International Military Tribunal (1947), *Trial of the Major War Criminals before the International Military Tribunal*, Nuremberg.

Articles:

- Ali, Javed, (2001), "Chemical Weapons and the Iran-Iraq War: A Case Study in Non-Compliance", *The Non-proliferation Review*, Spring, Vol. 8, Issue 1.

- Randal J. C., (2015) "Iran-Iraq War", *Crimes of War*. <http://www.crimesofwar.org/a-z-guide/547/>.

- Zanders J. P. (1996), "The CWC in the Context of the 1925 Geneva Debates", *The Non-proliferation Review*, Spring-Summer, Vol. 3, Issue 3.

International Treaties, Reports and Official Documents:

- Protocol for the Prohibition of the Use in War of Asphyxiating, Poisonous or Other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare (Geneva: 1925) – available at http://www.un.org/disarmament/WMD/Bio/pdf/Status_Protocol.pdf (accessed: Jan-2015).

- UK Government (2002), *Iraq's Weapons of Mass Destructions: the Assessment of British Government (2002)*, (Part 1- Chapter 2: "Iraq's Programme: 1971-1988") – available at: http://en.wikisource.org/wiki/Iraq%27s_Weapons_of_Mass_Destruction (accessed: Feb-2015).

- Central Intelligence Agency (1988), "Types of Chemicals Used by Iraq and Simple Defensive Measures Taken by IRGC Forces against Chemical Weapons during Iran-Iraq War", Central Intelligence Agency, Langley VA (1986-88), Report No. 67041:64153 (Section 1.5 (c)), available at: http://www.gulflink.osd.mil/declassdocs/cia/19960626/062596_cia_67041_64153_01.html (retrieved: Feb-2015).

- Human Rights Watch (1993), "Genocide in Iraq: the Anfal Campaign against the Kurds" (July 1993), available at <http://www.hrw.org/reports/1993/iraqanfal/> - Retrieved: Feb-2015.

- UN General Assembly Resolutions: A/Res/2603 A (XXIV) 16 December 1969; A/Res/2707 (XXV) 14 December 1970; A/Res/3318 (XXIX) 14 December 1974; A/Res/37/98 E 13 December 1982.

- UNSCOM (1999), *Enclosure I/Report: Disarmament*, United Nations Security Council 2/1999/94, January 29, 1999 - available at <http://www.un.org/depts/unscom/s99-94.htm> (accessed: Feb-2015).

- UN Secretary General (1986), "Report of the Mission Dispatched by the Secretary-General to Investigate Allegations of the Use of Chemical Weapons in the

Conflict between Iran and Iraq”, United Nations Security Council S/17911, 12 March 1986.

- UN Secretary General (1988), “Report of the Mission Dispatched by the Secretary-General to Investigate Allegations of the Use of Chemical Weapons in the Conflict between Iran and Iraq”, United Nations Security Council Doc. S/20134 (19 August 1988).

- UN Secretary General (1991), “Further Report of the Secretary-General on the Implementation of Security Council Resolution 598 (1987)”, United Nations Security Council S/23273 (9 December 1991).

- UN Security Council Resolutions No. 582 (1986), 598 (1987), 612 (1988), 620 (1988).

